

اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی – فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران)

ابوالقاسم حیدرآبادی^۱

چکیده:

هدف این مقاله بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی جوانان در استان مازندران است. چارچوب نظری این پژوهش تئوری نظام اجتماعی در قالب نظریه کنش تالکوت پارسونز و همچنین تئوری ساختار- عاملیت آنتونی گیدنز می باشد. جامعه مورد مطالعه جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله شهرهای ساری و بابل بوده که تعداد ۲۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. از روش نمونه گیری چند مرحله ای و تصادفی سیستماتیک استفاده شده و پس از بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه، با روش پیمایشی اطلاعات لازم جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تعداد هفت فرضیه مورد بررسی قرار گرفته و نتایج زیر به دست آمد. میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی رابطه منفی و معکوسی با میزان اعتماد اجتماعی داشته است. ارتباطات انسانی، جامعه پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و مستقیمی داشته است. مجموع این متغیرها ۴۳/۲ درصد تغییرات میزان اعتماد اجتماعی را تبیین می کنند. متغیرهای ارتباطات انسانی و جامعه پذیری خانوادگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی جوانان دارند. نتایج نشانگر آن است که میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر و بالاتر از سایر گونه های اعتماد (اعتماد تعمیم یافته و انتزاعی) است. همچنین اعتماد درون گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون گروهی می باشد.

کلیدواژه: اعتماد اجتماعی، جامعه پذیری، ارتباطات انسانی، اعتماد درون گروهی، اعتماد برون گروهی، گونه های اعتماد

۱. دانشجوی دکترای جامعه شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بابل

heidarabadi1977@yahoo.com

مقدمه:

اعتماد اجتماعی^۱ یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است که زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد اجتماعی، مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. تطور و تحول جوامع انسانی از حالت اولیه به مدرن در گرو پیچیدگی، تراکم روابط اجتماعی و ارتباط متقابل بوده است که اعتماد به گستردگی آن‌ها دامن زده است. بدون وجود اعتماد نمی‌توان شاهد نظام‌های دموکراتیک، نظم و ثبات اجتماعی، تعادل و همبستگی و انسجام اجتماعی در جامعه بود. اعتماد از پیش شرط‌های اساسی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. با بسط و گسترش فرهنگ اعتماد می‌توان به جای ارزش‌های منفی مانند دروغ، کلاهبرداری، چاپلوسی، نفاق و غیره، ارزش‌های اخلاقی مثبت مانند صداقت، راستگویی، انصاف، امانتداری، تعهد و شهامت را در جامعه پروراند.

از نظر آنتونی گیدنز^۲، «اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کمتری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است. چرا که افراد هر چه فاصله زمانی- مکانی بیشتری از هم داشته باشند، به اعتماد بیشتری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رو در رو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند، زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود دارد. اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هستند.» (ریترز، ۱۳۸۰، ۸۲۲)

چلبی اعتماد را در دو سطح اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته مطرح و تعریف می‌کند. از نظر وی اعتماد بین شخصی داشتن اطمینان به نزدیکان و اعضای خانواده، بستگان و دوستان است. به عبارت دیگر این نوع اعتماد بیشتر در روابط فرد با نزدیکان و دوستان و

1- Social Trust

2- Anthony Giddens

آشنایان وجود دار د، ولی اعتماد عام فراتر از اعتماد شخصی است. اعتماد عام یا تعمیم یافته داشتن حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی جدای از تعلق آنها به گروه های قومی و قبیله ای است که این امر منجر به گسترش روابط برون گروهی می شود. (چلبی، ۱۳۷۵)

هدف اصلی در این پژوهش شناخت و تبیین برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر اعتماد اجتماعی جوانان در استان مازندران می باشد. سوال اصلی تحقیق نیز این است که کدام یک از عوامل فرهنگی بر میزان و نوع اعتماد اجتماعی موثرند؟ و موثرترین عوامل اجتماعی یا فرهنگی تأثیرگذار بر میزان اعتماد اجتماعی جوانان کدام است؟

بیان مسأله

دانشمند معمولاً با مانعی در فهم، ابهامی در مورد پدیده های مشاهده شده و نشده، و کنجکاوی در مورد این که چرا وضع این طور است، مواجه می شود. اولین و مهمترین اقدام او آن است که این اندیشه را باز می کند و مسئله را به شکل مستدل و قابل بررسی بیان می نماید. این مرحله در واقع، از برخی جهات دشوارترین و مهمترین بخش از کل فرآیند است. دانشمند بدون وجود نوعی بیان مسئله به ندرت می تواند پیش برود و انتظار داشته باشد که کار او پر ثمر باشد. (نوابخش، ۱۳۸۹، ۳۱-۳۰)

با گسترش جوامع و پیشرفت های تکنولوژیکی، ارتباطات وسیع تر و گسترده تر گردیده و افراد جهانی را پیش رو دارند که معنای جدیدی از اعتماد را برای آنها فراهم آورده است. افراد انسانی امروزه با دهکده جهانی مواجهند، جهانی که به واسطه رشد و پیشرفت به جهانی کوچک تبدیل شده، اما در این دهکده وسیع جهانی افراد با یکدیگر مانند گذشته پیوندهای عمیق و آشنایی های دیرینه ندارند. مردم در سطوح فردی علاقمند هستند که به یکدیگر اعتماد کنند و نسبت به سازمان ها، دید مثبت داشته باشند زیرا آنها معتقدند که داشتن اعتماد، بر روی شانس های زندگی و به دست آوردن شادی در زندگی شان موثر است. در سطوح اجتماعی نیز مشاهده می شود که الگوی مثبت مشابهی نسبت به اعتماد اجتماعی وجود دارد. مردم قابل اعتماد در شهرها، حکومت ها و در سازمان های دموکراتیک بهتر کار می کنند و رشد و شکوفایی اقتصادی بیشتر و جنایت و فساد کمتری خواهند داشت. اگر اعتماد اجتماعی به عنوان

یک متغیر در جامعه حاصل نشود، آنگاه بی‌اعتمادی، شالوده‌های ارزشی در جامعه را دچار اختلال کرده و شرایطی آسیب‌شناختی در جامعه حاکم می‌شود که به زعم برخی مانند مرتن و دور کیم آن را آنومی می‌گوییم.

اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و انتزاعی و تخصصی عامل مهمی در پیشرفت جامعه می‌باشد و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجاد کننده تعاون و همیاری بوده و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. با این وجود بررسی‌ها نشانگر آن است که نوعی بحران در اساسی‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی بوجود آمده است که مستلزم بررسی دقیق‌تر و علمی است. از نظر آنتونی گیدنز، جوامع مدرن به نظام‌های تخصصی اعتماد تکیه می‌کنند و این بدان معناست که اعتماد کلید رابطه بین فرد و نظام‌های تخصصی است. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۵۲) از آن جا که نظرسنجی‌های جدید نیز نشان می‌دهند که کمترین میزان اعتماد جامعه به سازمان‌های تخصصی و فنی می‌باشد، این مسأله نشان می‌دهد که میزان اعتماد به نظام‌های انتزاعی مانند سازمان‌های اقتصادی پایین است. (عظیمی و ادریسی، ۱۳۸۶، ۱۰) در بررسی‌های اکتشافی به عمل آمده مشاهده می‌گردد که اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. از نظر اندیشمندان و صاحب نظران ایرانی نیز شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در ایران در تمام سطوح دارد.

اختلاف، تفرقه و پراکندگی یکی از عوامل و زمینه‌های اصلی تضعیف اعتماد اجتماعی در جامعه است. در جوامعی که اختلافات فرهنگی، قومی، نژادی و مذهبی وجود دارد. تشدید این اختلافات منجر به نابودی اعتماد در سطح جامعه می‌شود. با این که اعتماد بین اقوام و نژادها یک امر مهم راهبردی و موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود، بایستی دید که چه شرایطی باعث بی‌اعتمادی و شکاف میان اقوام مختلف می‌گردد. عدم وجود فقر در جامعه، توزیع عادلانه درآمد، ثروت و قدرت، عدم وجود برخی اختلافات مذهبی، اختلافات قومی و نژادی و در نهایت امنیت و نظم اجتماعی در جامعه از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی هستند. این عوامل می‌توانند باعث ترویج ارزش‌های اجتماعی چون مشارکت، همکاری، صداقت، ایثار و از خود گذشتگی، پابندی و تعهد، راستگویی، احترام به حقوق دیگران و غیره شوند. اما در

صورتی که هریک از عوامل داخلی بی‌اعتمادی در جامعه گسترش پیدا کنند، زمینه عدم تفاهم و بی‌اعتمادی و یا انفکاک اجتماعی را در جامعه به وجود می‌آورند. در نتیجه منجر به تضعیف هویت جمعی شده و روابط اجتماعی بین گروه‌ها و اقوام را کم رنگ می‌سازد. این امر باعث مخدوش شدن و ناسازگاری در میزان اعتماد و انسجام اجتماعی شده و تضادهای اجتماعی را افزایش می‌دهد. همچنین زمینه را برای تضعیف اعتماد اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان به وجود آورند. همچنین باعث از بین رفتن اعتماد درون گروهی و به‌ویژه اعتماد برون گروهی در جامعه شوند.

پیوتر زتومکا^۱ (۱۹۹۹) با بررسی آثار و نوشته‌های اندیشمندان مختلف، به جنبه‌های مهم و ضروری اعتماد پرداخته است. وی معتقد است که در جوامع معاصر، ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارند که منجر به اهمیت و ضرورت یافتن مسأله اعتماد اجتماعی می‌شوند. به طوری که زندگی در جوامع جدید و معاصر بدون توجه به مسأله اعتماد، امری ناشدنی بوده و توجه به آن و یا اهمیت قائل شدن بدان امری اجتناب ناپذیر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. «در کشورهای صنعتی و غیر صنعتی، پژوهش‌ها بیانگر آن است که با کاهش اعتماد اجتماعی، بحران شخصیت و هویت افزایش می‌یابد.» (گیدنز، ۱۳۸۳، ۲۵۴-۲۴۹).

مبانی نظری

شبکه اعتماد^۲ می‌تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید. فوکویاما (۱۳۷۹) معتقد است که قبل از ورود به هر سیستم تجاری یا اجتماعی، باید اطلاعات کافی درباره شبکه‌های اعتماد موجود در آن سیستم و ویژگی‌های آن به دست آورد؛ زیرا اعتماد را پایه هرگونه مبادلات اقتصادی و اجتماعی می‌داند. در واقع تمامی گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاصی از شعاع اعتماد^۳ هستند که به مفهوم میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه است. از نظر فوکویاما مفهوم مفید در تبیین سرمایه

1-Piotr Sztompka

2- network of trust

1- radius of trust

اجتماعی «شعاع اعتماد» است. تمامی گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاصی از شعاع اعتمادند که به مفهوم میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه است و در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. تعهد دینی و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی را نیز می‌توان یکی از منابع ایجادکننده سرمایه اجتماعی دانست، بسیاری از مذاهب با ترویج روش‌هایی چون مشارکت، صداقت، اعتماد متقابل، گسترش ارزش‌های اخلاقی می‌توانند سرمایه اجتماعی را ارتقاء بخشند. (فوکویاما، ۱۳۷۹)

چنانچه یک گروه اجتماعی برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن فراتر می‌رود. شعاع اعتماد در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. به طور مثال در فرهنگ مردم چین و بیشتر ساکنان آمریکای لاتین، سرمایه اجتماعی زیادی در بین خانواده‌ها و گروه‌های دوستانه شخصی وجود دارد، اما این گروه‌ها به شدت دارای اعتماد کمی نسبت به افراد خارج از گروه خود هستند. (حاج زمانی، ۱۳۸۶، ۳۱۵).

مباحث نظری ارائه شده در مورد اعتماد را می‌توان به سه دسته سطح خرد، سطح میانی و سطح کلان تقسیم نمود. در سطح خرد که به اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا توجه دارد، هدف این است که عوامل فردی و خرد مورد تحلیل و بررسی قرارگیرند. صاحب نظران سطح خرد با تأکید بر کنش به عنوان سطح مطالعه به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند.

در سطح میانی اعتماد عام و تعمیم یافته به عموم مردم و به گروه‌های واسطه و سازمان‌ها و مؤسسات کوچک مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر مقدار نیازهای افراد بیشتر و پدیده‌تر باشد، سطح کنش‌های آن‌ها گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود. عمق کنش‌ها نیز بستگی به اعتماد و عواطف افراد نسبت به یکدیگر دارد. بنابراین در اعتماد باید به طرفین درگیر ارتباط اجتماعی توجه داشت. این سطح از اعتماد تأثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم‌کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد. این اعتماد می‌تواند در صورت ضعف و ناتوانی در سطح سوم اعتماد، جایگزین آن شود.

در سطح کلان با تأکید بر ساخت اجتماعی جامعه، به مطالعه اعتماد اجتماعی پرداخته می‌شود. صاحب نظران در بررسی و تحلیل اعتماد اجتماعی «سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند و اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی می‌کنند. (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴، ۹۹)

مفهوم اعتماد اجتماعی در اندیشه بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک از جمله امیل دورکیم، جورج زیمل، فردیناند تونیس، ماکس وبر و غیره و همچنین جامعه‌شناسان معاصر چون تالکوت پارسونز، آنتونی گیدنز، کلاوس اوفه، پیوتر زتومکا، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما، رابرت پاتنام به چشم می‌خورد.

به زعم پروساک (۱۳۸۰) یکی از ابعادی که می‌تواند ما را در تبیین بهتر سرمایه اجتماعی یاری رساند، اعتماد است. این اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود در گروهها، انجمن‌ها و فعالیتهای اجتماعی است. به خصوص اگر این اعتماد از سطح فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود. افزایش اعتماد متقابل در یک سیستم می‌تواند به نحو قابل توجهی کارایی را بالا ببرد و بعضی از صاحب‌نظران علم مدیریت، ارزش آن را برای یک سازمان از اطلاعات^۱ بالاتر می‌دانند.

اریکسون^۲ اعتماد بنیادی را مورد توجه قرار داده و به اعتقاد او اعتماد بنیادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات شخصی در اوایل زندگی است. (گیدنز، ۱۳۸۳، ۶۴) اعتماد ناشی از ایمان و اعتقاد است. وی دین را عامل مؤثر در ایجاد اعتماد می‌داند و معتقد است که اعتماد، سنگ بنای تحقق دین است.

زتومکا (۱۹۹۹) در بحث اعتماد اجتماعی تئوری «صیورورت اجتماعی»^۳ فرهنگ اعتماد را مطرح کرده و معتقد است که ظهور فرهنگ اعتماد با مقداری از فرهنگ اعتماد فطری و ذاتی یعنی سنت اعتمادیابی اعتمادی شروع می‌گردد. پس از آن، شرایط ساختاری احتمال تجارب مثبت و با ارزش اعتماد و نیز برآورد و یا نقض شروط اعتماد را افزایش و یا کاهش می‌دهند.

1- Information

2- Erikson

1-Social Becoming

این شرایط بسته به استعداد کنشگران، فرصت‌های ساختاری را برای پذیرش و یا نادیده گرفتن آسان‌تر مخاطره اعتماد فراهم و یا مانع می‌گردند. (زتومکا، ۱۳۸۶، ۲۳۶)

آیزنشتاد معتقد است که «مهمترین مساله نظم اجتماعی برای افرادی چون دورکیم و تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است.» (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۲) یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر توماس هابس و آلکسی توکویل معتقدند که اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی می‌باشد، اعتماد تنش‌ها را کاهش و انسجام را افزایش می‌دهد. آنچه که باعث اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود، احساس امنیت است. به‌هرصورت مردم نیاز دارند که به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته باشند تا بتوانند با چالش‌های جهانی شدن^۱ و عصر اطلاعات مقابله کنند.

پارسونز با توجه به دیدگاه ساختی و کارکردی خویش، عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی را اعتماد می‌داند. به عقیده وی اعتماد این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به موفقیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد این انتظار را موجب می‌شود که دیگران به تعهدات و مسئولیت‌شان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک کنند. به عبارت دیگر در جوامع سنتی، اعتماد درون گروهی و یا سرمایه اجتماعی قدیم و در جوامع جدید و مدرن، اعتماد برون گروهی یا سرمایه اجتماعی جدید حاکم است.

اگر به پیروی از پارسونز هر نظام اجتماعی را داری چهار قطب اجتماعی (I)، اقتصادی (A)، فرهنگی (L) و سیاسی (G) بدانیم، در هر نظام می‌توان با یک وسیله خاص مثل پول، قدرت، تعهد و اندیشه به مبادله پرداخت. از نظر پارسونز اعتماد اجتماعی تابع برخی از کارکردهای اجتماعی است که به آن‌ها اشاره گردید. حال اگر جامعه‌ای کارکردهای خود را از دست بدهد، بحران معنا به وجود می‌آید. وقتی که یک نوع بحران ساختی و کارکردی در جامعه ایجاد شد، تعادل و نظم اجتماعی موجود دچار اختلال شده و انسان‌ها دچار شک و تردید می‌شوند. این امر را افرادی چون آنتونی گیدنز و الریش بک^۲ دنیای پرمخاطره یا جامعه مخاطره آمیز در جهان مدرن و یا حتی پست مدرن می‌دانند. زمانی اعتماد اجتماعی کارکرد همبستگی

2-Globalization

1-Ulrich Beck

خود را از دست می‌دهد، در این صورت نظم و امنیت اجتماعی در جامعه کاهش یافته و میزان شک و تردید در بین افراد جامعه افزایش می‌یابد. در نتیجه امنیت اجتماعی که پایه و اساس اعتماد و به‌ویژه اعتماد تعمیم یافته و انتزاعی است، به خطر می‌افتد. نظام اعتماد اجتماعی دارای چهار خرده نظام به شرح زیر است:

۱- خرده نظام اعتماد فرهنگی: در این خرده نظام ایجاد اعتماد متقابل در نظام ارزش‌ها و اندیشه‌ها است و وجود اعتماد در آن افکار و اندیشه انسانی را متبلور می‌سازد.

۲- خرده نظام اعتماد اجتماعی: هدف ایجاد اعتماد در فضای تعهدات، تعاملات و روابط رسمی است.

۳- خرده نظام اعتماد سیاسی: هدف از این خرده نظام ایجاد اعتماد متقابل در حوزه اقتدار می‌باشد. همچنین ضرورت دستیابی به هدف، روابط مبتنی بر تعامل متقابل است که زور و قدرت را تبدیل به اقتدار یا قدرت مشروع می‌کند.

۴- خرده نظام اعتماد اقتصادی: هدف از آن ایجاد فضای اعتماد در روابط مبتنی بر مبادلات و ثروت است. انطباق و سازگاری با محیط زمانی ایجاد می‌گردد که تعادل بین انرژی و اطلاعات وجود داشته باشد که این امر با وجود اعتماد بین کنشگران میسر شده و فاصله اجتماعی را از فضای تولید و تسلط بر طبیعت دور می‌سازد.

جدول شماره ۱: خرده نظام های چهارگانه پارسونز و نوع اعتماد در جامعه

مورد	خرده نظام اجتماعی	خرده نظام فرهنگی	خرده نظام شخصیتی (سیاست)	خرده نظام اقتصادی (ارگانیستی)
تکلیف یا کارکرد	انسجام و همبستگی اجتماعی	حفظ و نگهداشتن الگو	تعیین و دستیابی به هدف	سازگاری و انطباق
نشانه یا نمادها	G	L	I	A
نوع اعتماد	تعهدی	اندیشه ای	قدرتی و زوری	مالی و پولی
نوع زور یا حيله	اخلاقی	فلسفی	ایدئولوژیک	علمی
نوع ناهنجاری و تخلف	تعهدی	اندیشه ای	زوری یا قدرتی	پولی یا ثروتی
محافظ نظم و امنیت	تعهد و وفای به عهد	فکر و اندیشه	اعمال زور	پول و سرمایه
نظام اعتماد	نظام اعتماد اجتماعی	نظام اعتماد فرهنگی	نظام اعتماد سیاسی	نظام اعتماد اقتصادی

از نظر کلاوس اوفه^۱ می‌توان با استدلال سه مرحله‌ای، علاقه به اعتماد و دیگر پدیده‌های مرتبط با آن را مورد بررسی قرار داد. اولاً نظم اجتماعی جامعه مدرن از طریق سه ابزار پول^۲، قدرت^۳ و دانش^۴ باز تولید می‌شود. ثانیاً آرمان‌نهایی این سه ابزار ایجاد هماهنگی است که اعتماد نمونه بسیار خوبی از منابع فرهنگی و اخلاقی است که شیوه غیررسمی ایجاد هماهنگی اجتماعی را امکان پذیر می‌سازد. ثالثاً با استفاده از اعتماد می‌توان کیفیت نظم و کارایی استفاده از ابزار قدرت، پول و دانش را به شدت افزایش داد. (اوفه، ۱۳۸۵، ۲۰۵-۲۰۶) افزایش اعتماد، بهره‌وری سازمان‌های خدماتی و تولیدی و مشروعیت حکومت‌ها را افزایش می‌دهد. فقدان اعتماد برگزار سریع و موفقیت‌آمیز به حکومت غیراقتدارگرا و تحکیم نظام لیبرال دموکرات تأثیر بسیار نامطلوبی دارد. اعتماد اجتماعی را می‌توان از حوزه‌ها و جنبه‌های مختلف بررسی کرد. از ترکیب دوگانه توده^۵-نخبه^۶ و افقی^۷-عمودی^۸ چهار حوزه به دست می‌آید که روابط اعتماد در آن چهار حوزه خود را نشان می‌دهد.

از نظر آنتونی گیدنز جوامع امروزی برای پیشرفت نیازمند مفهوم اعتماد هستند. مفهوم اعتماد تنها به معنای اعتماد به یک شخص خاص نیست بلکه شامل سازمان‌ها و نهادهای بزرگتر، از جمله نظام‌های تخصصی می‌گردد. به طوری که این گونه روابط در گذشته بدین وسعت و گستردگی وجود نداشته است. اعتماد به شرازه زمان و مکان مربوط می‌شود. نتایج تحقیقات گیدنز در انگلستان نشانگر آن است که اعتماد اجتماعی دارای سه بعد اعتماد بنیادی، اعتماد متقابل بین شخصی و اعتماد انتزاعی می‌باشد. به عبارت دیگر از نظر وی اعتماد به سه صورت خود را نشان می‌دهد یا به عبارتی دیگر، سه نوع است: اول اعتماد بین فردی^۹ یا اعتماد به افراد آشنا، دوم اعتماد اجتماعی^{۱۰} یا اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به بیگانگان و سوم اعتماد

1 - Claus Offe

2- Money

3-Power

4 -Knowledge

5 - Mass

6- Elite

1-Horizontal

2-Vertical

3-Interpersonal Trust

4-Social Trust

مدنی^۱ یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها. نظریه پردازانی مانند گیدنز، همچنین بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می‌شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگزیده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا درحالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، براساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. (شارع پور، ۱۳۸۰، ۱۰۴)

از نظر گیدنز اعتماد شیوه ضروری واجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی است و از مؤلفه‌های مدرنیت می‌باشد. در فرهنگ‌های سنتی چهارزمینه محلی شامل خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی یا دین در ارتباط با اعتماد غالب هستند. طبق نظر گیدنز منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده‌اند. گیدنز ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می‌داند که رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. گیدنز اعتماد را در جوامع دوره پیش از مدرن^۲ و دوره مدرن^۳ نه تنها متفاوت، بلکه در تضاد با یکدیگر می‌داند. به عبارت دیگر، می‌توان برای فرهنگ هر یک از این جوامع، از محیط‌های اعتماد و محیط‌های مخاطره یاد کرد. در دوره پیش از مدرن، اعتماد محلی^۴ از اهمیت زیادی برخوردار بوده که این امر زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد را در این جوامع نشان می‌دهد. در جوامع مدرن، اعتماد بین مردم کاهش یافته و زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد در آن مبتنی بر روابط اعتماد نظام‌های انتزاعی و تخصصی است که از نظر گیدنز دارای ویژگی از جاکندگی^۵ یا بی‌ریشگی در دنیای مدرن هستند. (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱۲۰)

چارچوب نظری

هدف از چارچوب نظری، ساختن مدلی است که بتوان فرضیات، مفاهیم و متغیرها را از

5-Civic Trust

6-Pre modern

7-Modern

1-Local Trust

2-Disembedment

آن استخراج نمود و در جامعه مورد مطالعه فرضیات را به بوته آزمون قرار داد. تنها پس از تأیید نهایی برخی از فرضیات و رسیدن به مرحله قانونمندی است که مدل نظری اصلاح و چارچوب نظری همراه با اصول مکتبی تبدیل به تئوری می‌شود. در این مقاله تئوری سیستم اجتماعی در قالب نظریه کنش از پارسونز و همچنین تئوری ساختار/ عاملیت گیدنز به عنوان مدل و چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

گونه‌شناسی گیدنز از اعتماد اجتماعی با توجه به تئوری تلفیقی و ترکیبی ساختار/ عاملیت برای زمان و مکان خاص از اهمیت برخوردار است. لذا بایستی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی جامعه مورد مطالعه و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن به بررسی انواع اعتماد و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخت. به عبارت دیگر شرایط اجتماعی و وضعیت زمانی و مکانی در واقعیت‌ها، پدیده‌ها و موضوعات جامعه‌شناختی دخالت داشته و نسبی بودن آن را باید مورد توجه و نظر قرار داد. با توجه به تغییرات دنیای مدرن، رشد سریع تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، مفاهیم زمان و مکان و بی‌ریزشگی یا از جاکنندگی در نظریه گیدنز از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. یکی از تغییرات عمده، تغییر در نوع اعتماد است که از سطح اعتماد متقابل و شخصی به اعتماد انتزاعی تغییر یافته است. در نتیجه انسان امروزه چاره‌ای جز اعتماد به نمادها، مارک‌ها و تخصص‌ها که ظواهر مدرنیته‌اند، ندارد.

علاوه بر تئوری گیدنز، از تئوری ساختی- کارکردی و نظریه نظام‌کنش پارسونز نیز استفاده شده است. سیستم اجتماعی پارسونز دارای چهار خرده نظام است که شامل نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام شخصیتی و نظام ارگانیکستی یا اقتصادی می‌باشد. اعتماد اجتماعی تابعی از کارکردهای اجتماعی هر یک از چهار خرده نظام فوق هستند که شامل کارکردهای انطباق و سازگاری، دستیابی به هدف، انسجام و همبستگی و نظم و در نهایت حفظ و نگذاشتن الگو می‌شود. از نظر پارسونز نمادهای اندیشه، تعهد، زور و پول در خرده نظام‌های چهارگانه از حافظان و پاسداران امنیت و نظم اجتماعی می‌باشند. در صورتی که در هر نظام اجتماعی نظام‌های کنش به وظایف خود عمل کنند، نظم اجتماعی همراه با امنیت و آرامش در جامعه برقرار می‌شود.

پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی در داخل و خارج کشور در زمینه اعتماد اجتماعی صورت گرفته است

که در جدول زیر به برخی از آنها و متغیرهای مورد مطالعه آن اشاره شده است.

جدول شماره ۲: متغیرها و عوامل بررسی شده در تحقیقات خارجی

محقق	متغیرها و عوامل مورد بررسی
آلسیناو لافرارا (۲۰۰۰)	نابرابریهای اجتماعی، عدم سنخیت نژادی و قومی، اعتماد اجتماعی
ناک و ژاک (۱۹۹۸)	اعتماد به نهادهای عمومی، اعتماد به دیگران، فاصله اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نابرابری در درآمد
رابرت پاتنام (۱۹۹۳)	تعامل میان افراد، اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، دموکراسی،
فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۹)	شبکه اعتماد، اعتماد متقابل، هنجار و ارزش‌ها، سطح اعتماد و عملکرد اقتصادی جامعه
رونالد اینگلهارت (۱۹۹۰)	اعتماد تعمیم یافته، ارزش‌های فرامادی گرایانه، عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی، رضایت از زندگی
رایزر و همکاران (۲۰۰۱)	اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به افرادی غیر از خویشان و دوستان نزدیک، رشد اقتصادی، اعتماد به نهادهای عمومی، مشارکت مدنی
ناک و کی فر (۱۹۹۷)	اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته، سطح سرمایه‌گذاری، ارزش‌های اجتماعی

جدول شماره ۳: متغیرها و عوامل بررسی شده در تحقیقات داخلی

محقق	متغیرها و عوامل مورد بررسی
مسعود چلبی (۱۳۸۱)	اعتماد و نظام شخصیت، اعتماد نسبت به اطرافیان، والدین، دیگران و دوستان
تقی آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۷۷)	اعتماد بنیادی و متقابل، اعتماد تعمیم یافته به مشاغل، اعتماد انتزاعی به سازمان‌ها
توسلی و یارمحمدتوسکی (۱۳۸۴)	بنیان‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، خانواده، سطح اعتماد اجتماعی، مشارکت، شبکه‌های ارتباطی، شعاع اعتماد
محمودشارع پور و همکاران (۱۳۸۶)	اعتماد، ارزش‌های اجتماعی، سطوح اعتماد، سرمایه اجتماعی، اعتقادات دینی، مشارکت اجتماعی، اعتماد انتزاعی و تعمیم یافته
مرتضی زین آبادی (۱۳۸۷)	سطح اعتماد، نهادهای اجتماعی، عوامل اعتمادساز، اعتماد در سطح خرد، اعتماد در سطح میانی، اعتماد در سطح کلان،
کیان تاج بخش (۱۳۸۵)	سرمایه اجتماعی، بی اعتمادی جامعه، اعتماد اجتماعی، توسعه و دموکراسی، اعتماد درون گروهی و برون گروهی
فرامرز رفیع پور (۱۳۷۸)	اعتماد اجتماعی، انومی و آشفتگی اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارها، اعتقادات دینی
منوچهر پهلوان (۱۳۸۵)	اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارها، اعتقادات دینی، مشارکت اجتماعی،
مهندسین مشاور مازند (۱۳۸۷)	ارزش‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سطوح اعتماد، سرمایه اجتماعی اعتقادات دینی، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)	اعتماد اجتماعی، گونه‌های اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارها، اعتقادات دینی، امنیت و نظم اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد درون گروهی، اعتماد برون گروهی، توسعه اجتماعی، اعتماد نهادی، سطوح خرد، میانی و کلان اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. یعنی اطلاعات نظری و تئوری از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و در گردآوری داده‌ها نیز از روش میدانی یا پیمایش^۱ استفاده شده است. با توجه به این که در این پیمایش هدف، بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی در بین جوانان ساکن در استان مازندران بوده لذا واحد تحلیل در این تحقیق، جوانان و سطح تحلیل، خرد است. جمعیت جوان ۲۰ تا ۲۹ ساله شهرهای ساری و بابل به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند. برای محاسبه تعداد نمونه از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک استفاده شد. در تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده که تعداد ۲۸۰ نفر تعیین گردید. جهت بررسی رابطه معناداری بین متغیرها از تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره و در نهایت برای شناخت میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده شد. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ویرایش و پردازش نهایی، توسط نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شد.

جهت سنجش اعتبار پرسشنامه، از اعتبار صوری استفاده شد. این اعتبار مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان است. برای به دست آوردن میزان روایی معمولاً در تحقیقات پیمایشی از روش آلفای کرنباخ استفاده می‌شود که جدول زیر نشانگر مقادیر آلفا است.

جدول شماره ۴: تعداد گویه‌ها و آلفای کرنباخ متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی (آلفا کرنباخ)
اعتماد اجتماعی	۱۱	۰/۷۲
جامعه‌پذیری خانوادگی	۸	۰/۷۵
ارتباطات انسانی	۱۰	۰/۹۰
اعتقادات دینی	۱۰	۰/۸۴

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر از اعتمادهای تعمیم یافته و انتزاعی است.
- ۲- اعتماد درون گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون گروهی است.

- ۳- به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری خانوادگی نقش بارزی در تولید اعتماد اجتماعی دارد.
- ۴- اعتقادات دینی جوانان عاملی معنادار و مؤثر در افزایش اعتماد اجتماعی است.
- ۵- به همان نسبت که ارتباطات انسانی آسیب‌پذیر می‌شود، اعتماد اجتماعی جوانان کاهش می‌یابد.
- ۶- هرچه طبقه اجتماعی جوانان بالاتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود.
- ۷- بین ویژگی‌های فردی جوانان و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا صحت گفته‌ای تعریف می‌کند.

ارتباطات انسانی: ارتباط مکانیسمی است که روابط انسانی بر اساس و به وسیله آن بوجود می‌آید و تمام مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آنها در مکان و زمان بر پایه آن توسعه پیدا می‌کند. ارتباط انسانی اطلاعات و مفاهیمی است که میان دو انسان رد و بدل می‌شود.

اعتقادات دینی: به مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهای مذهبی گفته می‌شود که موجب تقویت و افزایش ایمان و تصور از عالم وجود و زندگی اجتماعی شده و در نهایت باعث پیوند افراد جامعه با هم‌نوعان و انسجام اجتماعی می‌گردد.

جامعه‌پذیری خانوادگی: جامعه‌پذیری به معنای همسازگی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است، یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه، روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۶)

یافته ها و نتایج تحقیق

• مشخصات عمومی پاسخگویان

- تعداد ۱۴۳ نفر از پاسخگویان برابر با ۵۱ درصد آنان را مردان تشکیل داده و تعداد ۱۳۷ نفر برابر با ۴۹ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند.
- کم‌ترین سن گزارش شده برابر با ۲۰ و بیشترین آن ۲۹ سال بوده است. میانگین سن پاسخگویان برابر با ۲۵/۵ سال بوده است.
- تقریباً ۵۲ درصد پاسخگویان متأهل و ۴۸ درصد مجرد بوده‌اند.
- حدود ۱۴ درصد افراد دارای سواد کمتر از دیپلم بودند. حدود ۴۳ درصد آنان در سطح دیپلم بوده، ۳۰ درصد آنان در سطح فوق دیپلم بوده، حدود ۱۳ درصد آنان دارای تحصیلات لیسانس بوده و بالاتر بوده‌اند.
- حدود ۱۶/۵ درصد از جوانان معتقد بودند که می‌توان به عموم مردم اعتماد کرد ولی حدود ۸۳/۵ درصد آنان اظهار داشتند که نمی‌توان به اکثر مردم جامعه اعتماد نمود. لذا جوانان کمتری دارای اعتماد تعمیم یافته بودند و به غریبه‌ها اعتماد می‌نمودند.
- حدود ۹۰ درصد جوانان معتقدند که اعتماد زیادی به خانواده‌ی خود دارند. این امر نشان‌دهنده‌ی سطح بالای اعتماد خانوادگی در جامعه می‌باشد.
- حدود ۱۳ درصد از پاسخگویان اعتماد اندکی به اقوام و خویشان خود داشتند. برای حدود ۵۲ درصد افراد این اعتماد در حد متوسط بوده و حدود ۳۵ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که اعتماد زیادی به اقوام و خویشاوندان خود دارند.
- تقریباً ۲۰ درصد از پاسخگویان اعتماد اندکی به دوستان خود داشتند. حدود ۵۷ درصد آنان تا حدودی به دوستان خود اعتماد داشته و حدود ۲۳ درصد آنان اظهار داشتند که اعتماد زیادی به دوستان خود دارند.
- حدود ۱۹ درصد افراد اعتماد اندکی به همسایگان خود داشتند. برای حدود ۵۹ درصد آنان این اعتماد در حد متوسط بوده و حدود ۲۲ درصد پاسخگویان نیز اظهار داشتند که اعتماد زیادی به همسایگان خود دارند. مقایسه‌ی میزان اعتماد نسبت به سه عنصر شبکه‌ی غیررسمی (اعتماد به اقوام و خویشاوندان، دوستان، همسایه‌ها) حکایت از آن دارد که جوانان

در وهله‌ی اول بیشترین اعتماد را به اقوام و خویشان خود داشته و سپس بیشترین اعتماد معطوف به دوستان می‌باشد. اعتماد به همسایگان در آخرین رتبه‌ی اعتمادی قرار دارد که این امر می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اختلال در شبکه‌ی نظام همسایگی باشد. در جامعه تفاوت زیادی بین اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به شبکه غیررسمی وجود ندارد. جوانان به اعضای خانواده اعتماد زیادی دارند و خارج از دایره خانواده، به اقوام و دوستان، همسایگان خود و به غریبه‌ها زیاد اعتماد نمی‌کنند.

- میزان اعتماد درون گروهی در بین جوانان بالاتر از اعتماد برون گروهی آنها است.

- میزان اعتماد اجتماعی در بین جوانان متوسط رو به بالا بوده است. چرا که ۲۲ درصد میزان آن را در حد متوسط و ۴۸ درصد آن را در زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

• آزمون فرضیات:

۱- فرضیه اول: اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر از اعتمادهای تعمیم یافته و

انتزاعی است.

در جامعه مورد مطالعه گونه‌های اعتماد با همدیگر تفاوت داشته و از میانگین یکسانی برخوردار نیستند. میانگین اعتماد بنیادین ۴/۵۴، اعتماد تعمیم یافته ۳/۲۵ و اعتماد انتزاعی ۳/۶۲ بوده است. برای مقایسه انواع اعتمادها در جامعه از مقایسه میانگین و آزمون t استفاده شده است که مقدار آن با سطح معناداری ($\text{sig} = 0/000$) معنادار بوده و تفاوت بین میانگین گونه‌های اعتماد وجود دارد.

جدول شماره ۵: مقایسه میانگین گونه‌های اعتماد اجتماعی جوانان

نوع اعتماد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	سطح معناداری
اعتماد تعمیم یافته	۳/۲۴۶	۱/۱۷۹	۴۶/۰۶۴	۰/۰۰۰
اعتماد بنیادین	۴/۵۳۹	۰/۶۸۷	۱۱۰/۶۱	۰/۰۰۰
اعتماد انتزاعی	۳/۶۲۱	۰/۸۹۹	۶۷/۳۴۹	۰/۰۰۰

این مطالعه نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر و بالاتر از سایر گونه‌های اعتماد است. اعتماد بنیادین نگرشی است نسبت به خود و

دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌سازد و موجب تقویت تفکری می‌گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند و بر استمرار و ثبات آن صحنه می‌گذارد. اریکسون معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی (شیرخوارگی) انسان شکل می‌گیرد. آنتونی گیدنز از اعتماد بنیادی تحت عنوان امنیت هستی‌شناختی یاد می‌کند. منظور از امنیت هستی‌شناختی اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استمرار هویت خود و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. به اعتقاد گیدنز امنیت هستی‌شناختی یک پدیده شناختی نیست، بلکه یک پدیده احساسی است و در ناخودآگاه ریشه دارد.

در این پژوهش اعتماد تعمیم یافته در مقایسه با سایر گونه‌های اعتماد اجتماعی ضعیف‌تر است. اعتماد بین شخصی یا اعتماد تعمیم یافته شکل دیگری از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مؤثر را موجب می‌شود. این اعتماد حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و غیره را در بر می‌گیرد.

از نظر آنتونی گیدنز در جوامع پیش از مدرن و جوامع مدرن نوع اعتمادها متفاوت از یکدیگر است. اعتماد از مهمترین ویژگی‌های مورد نیاز در ایجاد ارتباط میان انسان‌هاست و با تغییر جوامع سنتی و تبدیل شدن آنها به جوامع مدرنی که دیگر روابط چهره به چهره ویژگی غالب آن نیست، شکل‌گیری اعتماد نیز تغییر کرده است. در جوامع سنتی و قدیمی به علت این که زمان و مکان محدود و بسته بوده و روابط نیز حالت شخصی، رو در رو و چهره به چهره است، در نتیجه در همه روابط اعتماد وجود داشته است. اما در جوامع جدید به خاطر گستردگی و فاصله‌گیری زمان و مکان و از بین رفتن سدهای زمانی و مکانی برای ارتباط و روابط افراد با همدیگر، اعتمادها کم‌رنگ‌تر و حضورشان برای برقراری روابط اجتماعی ضروری‌تر شده است. در بین جوانان اعتماد انتزاعی و اعتماد بین شخصی یا تعمیم یافته پایین بوده و در مقابل اعتماد بنیادین در سطح بالایی وجود داشته است. اعتماد به نظام‌های انتزاعی بیانگر اعتماد افراد به اصول غیرشخصی است و با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک عصر جدید ارتباط تنگاتنگی دارد. می‌توان ادعا داشت که در جامعه اعتماد به نظام‌های انتزاعی، مجرد و تخصصی به‌عنوان

وسيله تثبيت روابط، تقريباً شكل گرفته كه اين امر در راستاي پهنه‌هاي نامشخص زماني و مكاني صورت مي‌گيرد. در جوامع سنتي و روستايي اين‌گونه اعتماد (اعتماد انتزاعي) قابل شكل‌گيري نبوده و سنت‌گرایی در آنها رواج داشته است. در مجموع نوعی اعتماد كه خاص جوامع صنعتی و مدرن بوده و نشان‌دهنده اعتماد به‌غریبه‌ها و نیز اعتماد به نهادها و سازمان‌های اجتماعی است در جامعه مورد مطالعه وجود دارد.

۲- اعتماد درون‌گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون‌گروهی است.

بر اساس نتایج به دست آمده میانگین اعتماد درون‌گروهی یا اعتماد به خانواده، بستگان و دوستان ۴/۵۴ در دامنه‌ای بین صفر تا ۵ است كه نشان دهنده اعتماد زیاد است. اعتماد برون‌گروهی یا تعمیم یافته یا اعتماد به غریبه‌ها در قالب اعتماد به اصناف و گروه‌های شغلی سنجیده شده و نتایج نشان می‌دهد كه میانگین این نوع اعتماد ۳/۰۵ و درحد متوسط به بالا است. برای مقایسه انواع اعتمادها در جامعه از مقایسه میانگین و آزمون t استفاده شده است كه مقدار آن معنادار بوده و تفاوت بین میانگین اعتماد درون‌گروهی و اعتماد برون‌گروهی وجود دارد. به عبارت دیگر اعتماد درون‌گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون‌گروهی است.

جدول شماره ۶: مقایسه میانگین اعتماد درون‌گروهی و برون‌گروهی جوانان

نوع اعتماد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	سطح معناداری
اعتماد درون‌گروهی	۴/۵۴	۰/۶۸۷	۱۱۰/۶۱	۰/۰۰۰
اعتماد برون‌گروهی	۳/۰۵	۰/۸۶۸	۵۸/۷۰	۰/۰۰۰

با گسترش شهرنشینی و فروپاشی خانواده‌های گسترده، افزایش مهاجرت و به‌طور کلی پیچیده‌تر شدن جوامع دیگر ابزار و سازوکارهای قدیمی اعتماد نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای انسان مدرن باشد. پیش از این در جامعه سنتی گروه‌های قومی و خویشاوندی به سبب حاکمیت اشکال خانواده گسترده به راحتی می‌توانستند مطالبات افراد را شناسایی و پاسخگو باشند و اعتماد درون‌گروهی به قدرت و توان آنها بیش از پیش می‌افزود و از آنها در مقابل دیگر گروه‌های هم‌تا پاسداری می‌کرد. در جامعه مدرن گروه‌های خویشاوندی به علل ذکر شده از هم پاشیده شده و شهرنشینی نیازهای جدیدی را برانسان تحمیل کرده بود كه سازوکارهای نوینی را برای ارضاء آنها می‌طلبید. جامعه نوین از افراد غریبه و خانواده‌های گوناگونی تشکیل

شده بود که پیش از این هیچ ارتباط و تعاملی با یکدیگر نداشتند و انسان امروزی باید اعتماد، شبکه اعتماد و شعاع اعتماد خود را به گونه‌ای دیگر تعریف و بازآفرینی می‌کرد. به تدریج و به‌طور روز افزونی ضرورت وجود و گسترش نهادهایی برای سازمان دهی، سامان دهی و پاسخگویی به نیازهایی که از شکل جدید زندگی بشر سر برآورده بودند، احساس می‌شد. از این جا بود که اشکال جدید اعتماد زاده شدند و در کنار اعتماد درون گروهی (اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا) اعتماد انتزاعی یا تعمیم یافته (اعتماد به بیگانگان و اعتماد به سازمان‌ها و نهادها) به ضرورت زندگی اجتماعی تبدیل شد.

با توجه به این که اعتماد یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، لذا رابطه تنگاتنگی بین این دو مفهوم وجود دارد. در صورتی که اعتماد بین گروه‌ها اندک ولی اعتماد درون گروهی زیاد باشد، انتظار می‌رود که سرمایه اجتماعی در جامعه پایین بوده و این امر تأثیر منفی بر سطح کل اجتماع داشته باشد. سرمایه اجتماعی در سطح جامعه زمانی بالا خواهد بود که بین افراد در گروه‌های مختلف پیوندهای مثبت و مبتنی بر اعتماد وجود داشته باشد. یعنی اگر اعتماد و پیوندهای بین گروهی و همچنین اعتماد و پیوندهای درون گروهی در جامعه زیاد باشد، سرمایه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. لذا پیوند بین گروه‌ها برای افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه ضروری است.

۳- به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری خانوادگی نقش بارزی در تولید اعتماد اجتماعی دارد.

با احتمال بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین اعتماد اجتماعی و جامعه‌پذیری خانوادگی همبستگی و رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که با افزایش جامعه‌پذیری افراد از سوی والدین و خانواده بر اعتماد اجتماعی فرزندان افزوده می‌شود و بر عکس. این امر نشان می‌دهد که اعتماد اکتسابی است و در طی جریان جامعه‌پذیری و از همان سال‌های اولیه زندگی پدید می‌آید و طی تجارب اجتماعی تقویت شده و به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد.

اما آیا می‌توان بیان کرد که جامعه‌پذیری خانوادگی مهمترین عامل تولید اعتماد اجتماعی در جامعه است یا خیر؟ برای دستیابی به این مهم از طریق ضرایب همبستگی نمی‌توان این قضیه را اثبات یا رد نمود. چرا که ضرایب همبستگی تنها وجود یا عدم وجود رابطه را بیان می‌کنند. جهت اثبات یا رد آن بایستی از طریق رگرسیون چند متغیره و ضرایب رگرسیونی

استاندارد شده (بتا) به نقش جامعه‌پذیری خانوادگی جوانان در تولید اعتماد اجتماعی پی‌برد و دید که آیا می‌تواند به عنوان مهمترین عامل مطرح باشد یا خیر. مقادیر بتا نشان می‌دهد که مهمترین عامل تولید اعتماد اجتماعی، ارتباطات انسانی بوده و جامعه‌پذیری خانوادگی دومین عامل مهم تولید اعتماد اجتماعی جوانان در جامعه محسوب می‌شود.

۴- فرضیه چهارم: اعتقادات دینی عاملی معنادار و مؤثر در افزایش اعتماد اجتماعی است.

سطح سنجش متغیر اعتقادات دینی ترتیبی بوده و به‌عنوان متغیر مستقل شناخته می‌شود. مقادیر ضرایب همبستگی کندال و اسپیرمن موید وجود رابطه مثبت و مستقیم بین اعتقادات دینی و اعتماد اجتماعی است. با افزایش اعتقادات دینی بر میزان اعتماد اجتماعی افزوده شده و برعکس، با کاهش میزان اعتقادات دینی افراد از میزان اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود.

۵- به‌همان نسبت که ارتباطات انسانی آسیب‌پذیر می‌شود، اعتماد اجتماعی جوانان کاهش می‌یابد.

سطح سنجش متغیر ارتباطات انسانی ترتیبی یا رتبه‌ای است. با احتمال بیش از ۹۹ درصد بین متغیرها رابطه معنادار با جهت مثبت و مستقیم وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که با بهبود ارتباطات انسانی به میزان اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود و با آسیب‌پذیری آن، از سطح اعتماد اجتماعی جوانان کاسته می‌شود.

۶- هرچه طبقه اجتماعی جوانان بالاتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود.

طبقه اجتماعی با سطح سنجش ترتیبی (بالا، متوسط و پایین) سنجیده شده است. ضریب همبستگی اسپیرمن نشانگر رابطه و همبستگی منفی و معکوس بین دو متغیر می‌باشد.

۷- بین ویژگی‌های فردی جوانان و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

متغیر ویژگی‌های فردی شامل مواردی مانند جنسیت، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل می‌شود. سطح سنجش متغیر ویژگی‌های فردی به صورت اسمی و ترتیبی است.

☑ بین دو متغیر جنسیت و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. میزان اعتماد

اجتماعی جوانان در بین دو جنس مرد و زن تفاوتی با یکدیگر نداشته است.

☑ ضرایب همبستگی اسپیرمن و کندال تابی نشان می‌دهد که بین دو متغیر سن جوانان

(گروه‌های سنی) و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

✓ بین دو متغیر میزان تحصیلات (متغیر مستقل) و میزان اعتماد اجتماعی جوانان (متغیر وابسته) همبستگی و رابطه به صورت منفی و معکوس وجود دارد. با افزایش میزان تحصیلات جوانان، از میزان اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود و برعکس با کاهش سطح تحصیلات به میزان اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود. یعنی جوانان کم سواد اعتماد اجتماعی در بینشان بالاتر از جوانان با تحصیلات بالا و عالی است.

✓ بین متغیرهای وضع تأهل و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و مجرد یا متأهل بودن جوانان نقشی در کاهش و یا افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه ندارد. بنابراین از بین ویژگی‌های فردی متغیر میزان تحصیلات جوانان رابطه معنادار، اما سایر متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت و وضعیت تأهل) نقشی در میزان اعتماد اجتماعی ندارند.

جدول شماره ۷: همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته اعتماد اجتماعی جوانان

نام متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن		ضریب همبستگی کندال تابی	
	مقدار ضریب	سطح معناداری	مقدار ضریب	سطح معناداری
جامعه پذیری خانوادگی	۰/۳۷۲	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰
اعتقادات دینی	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۰/۱۹۴	۰/۰۰۰
ارتباطات انسانی	۰/۳۲۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	-۰/۳۲۰	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۶	۰/۰۰۰
گروه های سنی	۰/۱۰۳	۰/۰۸۵	۰/۰۸۱	۰/۰۸۰
طبقه اجتماعی	-/۲۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۲۴	۰/۰۰۰

جدول شماره ۸: آماره کی دو بین متغیرهای مستقل با متغیر اعتماد اجتماعی

نام متغیر	آماره کی دو	
	مقدار ضریب	سطح معناداری
جنسیت	۳/۲۶	۰/۵۱۵
وضعیت تأهل	۳/۲۶	۰/۹۱۷

بررسی نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که مقدار R یا ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/639$ بوده که نشان دهنده رابطه شدید بین میزان اعتماد اجتماعی جوانان و متغیرهای مستقل است. مقدار ضریب تعیین یا R^2 برابر با $0/432$ بوده و بیانگر این حقیقت است که $43/2$ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی جوانان به این متغیرهای مستقل مربوط است و $56/8$ درصد بقیه مربوط به عواملی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. جدول تجزیه واریانس نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری آن را تأیید می‌کند. اعداد ارائه شده در جدول آنالیز واریانس نشان می‌دهد که مقدار F یعنی نسبت متوسط واریانس رگرسیون به متوسط واریانس باقیمانده برابر با $10/88$ بوده و با درجه آزادی ۸ و سطح معناداری صفر می‌توان گفت که به احتمال بیش از ۹۹ درصد اطمینان بین اعتماد اجتماعی جوانان و سایر متغیرهای مستقل اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره ۹: تحلیل واریانس

	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیونی	۵۴/۹۱	۸	۶/۸۶	۱۰/۸۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۷۰/۹۶	۲۷۱	۰/۶۳	---	---
کل	۲۲۵/۸۷	۲۷۹	---	---	---

برای بررسی اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در پیش بینی اعتماد اجتماعی باید مقادیر b ها و $Beta$ (ضرایب استاندارد شده) را مطالعه نمود. مقادیر جدول ضرایب نشان می‌دهد که متغیرهای متغیرهای جامعه پذیری خانوادگی، اعتقادات دینی، ارتباطات انسانی و طبقه اجتماعی در سطح بیش از ۹۵ درصد معنی‌دار هستند.

اما این که کدام یک از این متغیرهای مستقل مهم و نقش بیشتری در تعیین متغیر وابسته دارند باید از طریق مقادیر $Beta$ تشخیص داد. این مقادیر استاندارد شده بوده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد. باتوجه به جدول می‌توان گفت که نقش متغیر ارتباطات انسانی ($Beta = 0/214$) بیشتر از نقش سایر متغیرها است. این اعداد نشانگر آن است که به ازای هر یک واحد تغییر در انحراف معیار ارتباطات انسانی به اندازه‌ی $0/214$ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می‌کند. درحالی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سایر متغیرها، در انحراف معیار متغیر وابسته تغییرات کمتری ایجاد می‌شود. بزرگ بودن

مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته است. بنابراین در اینجا می‌توان گفت که متغیرهای ارتباطات انسانی، طبقه اجتماعی، جامعه‌پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی به مراتب سهم بیشتری در پیشگویی متغیر اعتماد اجتماعی جوانان دارند.

جدول شماره ۱۰: ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر اعتماد اجتماعی جوانان

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	وزن بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۶۳۰	۰/۴۴۴	---	۵/۹۱۹	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری خانوادگی	۰/۱۶۰	۰/۰۵۶	۰/۱۷۱	۲/۸۴۵	۰/۰۰۵
ارتباطات انسانی	۰/۱۵۳	۰/۰۴۳	۰/۲۱۴	۳/۵۵۹	۰/۰۰۰
طبقه اجتماعی	-۰/۱۳۸	۰/۰۶۰	-۰/۱۳۴	-۲/۲۹۹	۰/۰۲۲
میزان تحصیلات	-۰/۰۹۱	۰/۰۵۵	-۰/۱۰۹	-۱/۶۶۶	۰/۰۹۷
اعتقادات دینی	۰/۱۲۴	۰/۰۵۲	۰/۱۳۳	۲/۴۰۵	۰/۰۱۷
جنسیت	۰/۰۹۶	۰/۰۹۸	۰/۰۵۴	۰/۹۸۱	۰/۳۲۸
وضعیت تاهل	۰/۰۶۵	۰/۰۹۳	۰/۰۳۹	۰/۷۰۳	۰/۴۸۳
سن	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	-۰/۱۵۰	۰/۸۸۱

نتیجه‌گیری

اعتماد اجتماعی از مفاهیم کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی و یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اعتماد از میزان اطمینان یا مطمئن بودن به اشخاص، افراد، الگوها، ساختارها و نقش‌های اجتماعی برمی‌آید. این پژوهش در بین جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله شهرهای ساری و بابل صورت گرفته و نتایج نشان می‌دهد که میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی رابطه منفی و معکوسی با میزان اعتماد اجتماعی داشته است. ارتباطات انسانی، جامعه‌پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و مستقیمی داشته است. مجموع این متغیرها ۴۳/۲ درصد تغییرات میزان اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند. متغیرهای ارتباطات انسانی و جامعه‌پذیری خانوادگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی جوانان دارند. نتایج نشانگر آن است که میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر و بالاتر از سایر گونه‌های اعتماد (اعتماد تعمیم یافته و انتزاعی) است. همچنین اعتماد درون گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون گروهی می‌باشد.

یکی از کارکردهای مهم دین ایجاد اطمینان و اعتماد اجتماعی بوده که در دوران گذار تضعیف می‌شود. اما این تضعیف پیش از این که ارزش‌های مدرن جایگزین شود صورت می‌گیرد. پس در دوران گذار ارزش‌های دینی و سنتی کاهش پیدا می‌کند، درحالی که هنوز

ارزش‌های دنیای مدرن جایگزین آن نشده است که این امر زمینه‌ساز تضعیف اعتماد اجتماعی می‌شود. در دوران تضعیف اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی و دینی هم به‌طور همزمان تنزل پیدا می‌کنند. وقتی برخی از ارزش‌های اساسی کاهش پیدا کرد، سایر ارزش‌ها نیز کاهش و سقوط می‌کنند. برای تقویت میزان اعتماد اجتماعی در جامعه باید ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شوند.

بر اساس نتایج به دست آمده میانگین اعتماد درون گروهی یا اعتماد به خانواده، بستگان و دوستان ۴/۵۴ در دامنه‌ای بین صفر تا ۵ است که نشان دهنده اعتماد زیاد است. اعتماد برون گروهی یا تعمیم یافته یا اعتماد به غریبه‌ها در قالب اعتماد به اصناف و گروه‌های شغلی سنجیده شده و نتایج نشان می‌دهد که میانگین این نوع اعتماد ۳/۰۵ و در حد متوسط به بالا است. پس اعتماد درون گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون گروهی است. با توجه به این که اعتماد یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، لذا رابطه تنگاتنگی بین این دو مفهوم وجود دارد. در صورتی که اعتماد بین گروه‌ها اندک ولی اعتماد درون گروهی زیاد باشد، انتظار می‌رود که سرمایه اجتماعی در جامعه پایین بوده و این امر تأثیر منفی بر سطح کل اجتماع داشته باشد. سرمایه اجتماعی در سطح جامعه زمانی بالا خواهد بود که بین افراد در گروه‌های مختلف پیوندهای مثبت و مبتنی بر اعتماد وجود داشته باشد. یعنی اگر اعتماد و پیوندهای بین گروهی و همچنین اعتماد و پیوندهای درون گروهی در جامعه زیاد باشد، سرمایه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. لذا پیوند بین گروه‌ها برای افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه ضروری است.

فهرست منابع:

۱. آزاد ارمکی، تقی و همکاران، گزارش تفصیلی بررسی مقدماتی ارزش‌های جهانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی، دانشگاه تهران، (۱۳۷۷).
۲. اوجاقلو، سجاد و زاهدی، محمدجواد، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، (۱۳۸۴).
۳. اوفه، کلاوس، «چگونه به شهروندان باید اعتماد کرد»، در کتاب تاجبخش، کیان «سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسیون و توسعه»، نشر شیرازه، تهران، (۱۳۸۵).

۴. پروساک، لارنس و داوونپورت، تامس، اچ، «مدیریت دانش»، نشر ساپکو، تهران، (۱۳۸۰).
۵. پهلوان، منوچهر، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر ارزش های جوانان، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران، (۱۳۸۵).
۶. تاجبخش، کیان، «سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسیون و توسعه»، نشر شیرازه، تهران، (۱۳۸۵).
۷. توسلی، غلامعباس و یارمحمد توسکی، مریم، بررسی بنیان های سرمایه اجتماعی با تکیه بر اعتماد اجتماعی، فصلنامه جامعه شناسی دانشگاه اراک، سال اول، شماره ۴ (۱۳۸۴).
۸. چلبی، مسعود، جامعه شناسی نظم؛ تحلیل و تشریح نظری نظم اجتماعی، نشر نی، تهران، (۱۳۷۵) چاپ اول.
۹. چلبی، مسعود، بررسی نظام شخصیت در ایران، موسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات، تهران، (۱۳۸۱) چاپ اول.
۱۰. حاج زمانی، محمد، فرآیند سرمایه اجتماعی در چشم انداز توسعه پایدار جامعه، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای سرمایه اجتماعی چالش‌ها و راهکارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دهقان، (۱۳۸۶).
۱۱. رفیع پور، فرامرز، آناتومی یا آشفستگی جامعه، انتشارات سروش، تهران، (۱۳۷۸)، چاپ اول.
۱۲. ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، (۱۳۸۰)، چاپ پنجم.
۱۳. زتومکا، پیوتر، اعتماد نظریه جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، انتشارات تیرازه، تهران، (۱۳۸۶) چاپ اول.
۱۴. زین آبادی، مرتضی، بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه های بازسازی آن، پژوهشنامه شماره ۱۶، گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، (۱۳۸۷).
۱۵. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، مؤسسه کیهان، تهران، (۱۳۷۶).
۱۶. شارع پور، محمود و دیگران، رتبه بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استانهای کشور، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶ (۱۳۸۶).

۱۷. شارع پور، محمود، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه شناسی، سال اول، شماره یک، (۱۳۸۰).
۱۸. عظیمی، لیلا و ادریسی، افسانه، اعتماد اجتماعی عاملی در پیشرفت جامعه، مجموعه مقالات همایش منطقه ای سرمایه اجتماعی چالش ها و راهکارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دهقان، (۱۳۸۶).
۱۹. گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، (۱۳۸۳)، چاپ سوم.
۲۰. گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران، (۱۳۷۷).
۲۱. گیدنز، آنتونی، چشم اندازه های جهانی، ترجمه حمیدرضا جلالی پور، انتشارات طرح نو، تهران، (۱۳۸۴).
۲۲. فوکویاما، فرانسیس، «پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، مترجم غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان (۱۳۷۹).
۲۳. مهندسین مشاور مازند طرح، طرح آمایش سرزمین استان مازندران، گزارش اولیه بخش فرهنگ و سرمایه اجتماعی، (۱۳۸۷).
۲۴. نوابخش، مهرداد، کاربرد نظریه های اجتماعی در روش شناسی تحقیق، انتشارات موسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، تهران، (۱۳۸۹) چاپ دوم.
۲۵. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش ها و نگرش های ایرانیان، دفتر طرح های ملی، موج دوم، تهران، (۱۳۸۱)، ویرایش اول.

26. Alesina, A. and E. La Ferrara (2000), "The determinants of trust ", NBER Working Paper, No.7621.
27. Fukuyama, F. (1999), "Social capital and civil society ", The Institute of Public Policy, George Mason University.
28. Inglehart, R. (1990), "Culture shift in Advanced industrial society ", Princeton University press, Princeton, NJ.
29. Knack, S. and P. Keefer (1997), "Does social capital have an economic payoff? A cross-country investigation ", The Quarterly Journal of Economics, Vol. CXII: 1252-1288.
30. Knack, S. & Zak, P. (1998), "Trust and growth ", University of Maryland, Mimeographed.
31. Putnam, R. 1993. Making democracy work. Civic traditions in modern Italy, Princeton University Press, Princeton.

32. Raiser, M., C. Haerpfer, T. Nowotny and C.Wallace (2001), " Social capital in transition: A first look at the evidence ", Working paper No.61, European Bank for Reconstruction and Development.
33. Sztompka, P. (1999), "Trust: A sociological theory ", Cambridge: Cambridge University Press.